

مرگ ۳۱۴ مسافر در سوانح رانندگی هفته گذشته

رئیس پلیس راهور فراجا از مرگ ۳۱۴ نفر در صحنه تصادفات رانندگی رخ داده طی یک هفته گذشته در کشور خبر داد.

سردار سیدتیمور حسینی درباره امار تصادفات رانندگی در هفته گذشته که با پیک تردها و سفرهای جاده‌ای نیز همراه بود، گفت: از تاریخ ۱۰ شهریورماه تا روز گذشته حدود ۲۲۰ میلیون تردد در جاده‌های کشور به ثبت رسیده که افزایش چشمگیری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته داشته است، همچنین امارها نشان می‌دهد بیشترین تردد در سه استان مازندران، گیلان و خراسان رضوی به ثبت رسیده است.

رئیس پلیس راهور فراجا افزود: در هفته گذشته ۲۶۴ فقره تصادف منجر به فوت در کشور رخ داده که در پی این تصادفات، ۳۱۴ نفر در صحنه کشته شده‌اند.

وی گفت: علاوه بر تصادفات فوئی، هفته گذشته در مجموع ۸ هزار و ۱۵۶ فقره تصادف جرحی نیز در کشور به ثبت رسیده که سرعت غیرمجاز، عدم توجه راننده به جلو و از دست دادن کنترل خودرو به عنوان سه عامل اصلی در وقوع این حوادث تلخ شناسایی شده‌اند.



۲۷ کشته در تصادف‌های ۴ ماهه خودروه‌ای باربری پایتخت

تصادف خودروهای باربری در چهارماهه امسال پایتخت ۲۷کشته و ۵هزار و ۱۸۴زخمی بر جای گذاشته است.

سرهنگ علی اصغر شریفی، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ تخلف‌های خودروهای کامیون در چهارماهه امسال منجر به بروز ۲هزارو ۵۰۰ تصادف شده است که در جریان آن ۱۷۶ نفر زخمی و ۱۶ نفر هم جانشان را از دست داده‌اند. همچنین در جریان سوانحی که از سوی کامیون‌ها در همین مدت اتفاق افتاده است منجر به بروز هزاره‌ا تصادف جرحی و پنج سانحه فوت شده‌است، همچنین در جریان سوانحی که از سوی وانت‌بارها اتفاق افتاده است ۴ هزار نفر زخمی و شش نفر فوت شده‌اند.

بازداشت ۱۲ افغان قبل از تعرض به چند کودک

۱۲مرد افغان که با تهدید چاقو قصد تعرض به چند کودک و نوجوان را داشتند، بازداشت شدند.

مأموران سیاه شهرستان پارسپایان در غرب استان هرمزگان هنگام گشت‌زنی در شهر متوجه شدند ۱۲ مرد افغان با تهدید چاقو به چند کودک و نوجوان حمله کرده و قصد تعرض به آنها را دارند که با همکاری سربازان گمنام امام زمان و فراجا بازداشت شدند. تحقیقات از متهمان در جریان است.



بازداشت جیب‌بر حرم حضرت عبدالعظیم برای نهمین بار

جیب‌بر حرفه‌ای که با پرسه در حرم حضرت عبدالعظیم و بازارهای اطراف آن جیب زائران را خالی می‌کرد، برای نهمین بار بازداشت شد.

سرهنگ محمد قاسم طهرانی، فرمانده انتظامی شهرستان ری گفت: همزمان با مطرح‌شدن شکایت‌های مشابه درباره جیب‌بری در حرم حضرت عبدالعظیم، مأموران پلیس در این‌باره تحقیق کردند. مأموران با گشت‌زنی‌های هدفمند موفق شدند مرد جیب‌بر را که در حال زاع‌زنی بود، شناسایی و همزمان با دستگیری وی در بازسازی از او چند عدد کیف پول سرقتی کشف کرد. متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی به این شیوه اعتراف کرد. بررسی سوابق متهم نشان داد که وی قبل از این هشت بار به اتهام جیب‌بری بازداشت شده‌بود. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر وی جریان دارد.

مرگ غم‌انگیز پدر و پسر در ساحل انزلی

فرمانده انتظامی بندرانزلی از حادثه غرق شدن پدر و پسر در ساحل دریای این شهرستان خبر داد.

سرهنگ امیر وهاب‌زاده گفت: دوزخ قبل مأموران کالتری ۱۱۲ از حادثه غرق‌شدگی در ساحل دریا باخبر و در محل حاضر شدند. وی افزود: با حضور مأموران در محل حادثه، مشخص شد مرد ۴۴ ساله و فرزند ۱۴ ساله‌اش که برای شنا به قسمتی از ساحل دریا رفته بودند به علت ورود به منطقه ممنوعه و عدم آشنایی به فنون شنا غرق شده‌اند. فرمانده انتظامی شهرستان بندرانزلی گفت: با حضور گروه‌های امداد و نجات، افراد غرق‌شده از آب بیرون آورده شدند و جسد آنان به پزشکی قانونی انتقال داده شد.



آر‌مین بینا

پسر جوانی که متهم است در درگیری مر تکب قتل شده، وقتی بازداشت شد، ادعا کرد مقتول موادفروش بوده و وقتی از او موادمخدر کمیکال خریده و مصرف کرده در توهم مواد، مر تکب قتل شده است. عصر روز شنبه ۲۷ مردادماه امسال، کارکنان بیمارستانی در جنوب تهران به مأموران پلیس خبر دادند پسر جوان زخمی پس از انتقال به بیمارستان فوت کرده است. با اعلام این خبر، تیمی از مأموران راهی بیمارستان و در آنجا با جسد پسر ۲۸ ساله‌ای به نام کامران رویه‌رو شدند که با سه ضربه چاقو به قتل رسیده بود.

بررسی‌های مأموران نشان داد مقتول ساعتی قبل در درگیری با پسر جوانی در یکی از خیابان‌های جنوبی شهر زخمی می‌شود و رهگذارن هم با دیدن این صحنه به اورژانس خبر می‌دهند و پسر زخمی را به بیمارستان منتقل می‌کنند. پس از انتقال پسر جوان به بیمارستان، تیم پزشکی تلاش می‌کند جان جوان زخمی را نجات دهد، اما کامران ساعتی بعد بر اثر شدت خونریزی به کام مرگ می‌رود.

بدین ترتیب پرونده قتل پسر جوان به دستور بازپرس جنایی در اختیار تیمی از کاراگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

شناسایی قاتل

مأموران پلیس در نام پژمان شناسایی مدار بسته قاتل را به نام پژمان شناسایی کردند که مشخص شد قاتل و مقتول هر دو خلافکار و از قبل با هم دوست بودند. بدین ترتیب متهم تحت تعقیب قرار می‌گیرد تا اینکه چند روز قبل یکی از بستگان مقتول با اداره پلیس تماس می‌گیرد و می‌گوید قاتل فراری را در یکی از پارک‌های جنوب شهر دیده است. با اطلاعاتی که آشنای مقتول در اختیار پلیس قرار داد، مأموران متهم را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

توهم

متهم ۲۷ ساله پس از انتقال به اداره پلیس با اظهار پشیمانی به قتل دوستش اعتراف کرد و در ادعایی گفت: «چند سال قبل در ارتباط با دوستان ناباب معتاد به موادمخدر شدم. مدتی گل می‌کشیدم، اما کم‌کم معتاد به موادمخدر کمیکال شدم. وقتی کمیکال مصرف می‌کردم، توهم می‌زدم و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

و فکر می‌کردم با افراد اطرافم در جنگ

قتل موادفروش در توهم مخدر کمیکال

هستم و گاهی هم احساس می‌کردم انچه

قص دارند مرا بکشند. کامران موادمخدر

می‌فروخت و من با او دوست بودم و همیشه از

کامران مواد می‌گرفتم. روز حادثه به سراغ او

رفتم و یک گرم کمیکال به قیمت ۳۵۰هزار

تومان خریدم. مواد را همانجا مصرف کردم و

توهم شدیدی به من دست داد، به‌طوری‌که

خیالات زیادی به سراغم آمد. به هر طرف نگاه

می‌کردم، لشکری از دشمن می‌دیدم که به

من حمله می‌کنند. فکر می‌کردم در میدان

جنگ هستم و از طرفی هم کامران مدام

می‌گفت پول موادش را بدهم. عصبانی شده

بودم و کامران را هم جزو لشکریان دشمن

می‌دیدم که با چاقو ضرباتی به او زدم. من

قصد قتل نداشتم، اما وقتی کامران را خونین

روی زمین دیدم از ترس فرار کردم. ساعتی

بعد توهم از بین رفت و تازه متوجه شدم

مر تکب قتل شده‌ام و فراری شدم. در این

مدت حیران و سرگردان در کوچه و خیابان

بودم و شب‌ها هم در پارک‌ها می‌خوابیدم تا

اینکه دستگیر شدم.»

متهم پس از اعتراف به قتل برای تحقیقات

بیشتر در اختیار کاراگاهان اداره دهم پلیس

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

آگاهی قرار گرفت.

این روزها و بعد از خبرهای

تکان دهنده‌ای مثل اختلاس

۱۴۰هزار میلیارد تومانی چای دیش یا

زمین‌خواری از گل، انتشار خبر وام‌های

میلیاردی رئیس سازمان بورس به

خودش و اعضای هیئت‌مدیره این

سازمان، ضربه دیگری به سرما به

اجتماعی وارد کرد. مایه تأثر است که

پس از وضعیت فلاکت‌باری که سازمان

بورس برای بسیاری از سهامداران

ایجاد کرد، حالا مفسده در همانجایی بروز پیدا کند که آلام افراد

زیان‌دیده‌اش همچنان به فوت خود باقی است. تأثر بیشتر اینکه

بعد از انتشار این خبر، مجید عشقی تلاش کرد بدون در نظر گرفتن

وضعیت وخامت‌بار اقتصادی کشور، وام باآورده را حق قانونی خود

تلقی کند، اما وقتی متوجه عمق ماجرا شد، به ناچار از سمت خود

استعفا داد. سؤال این است که آقای عشقی از بدبختی‌ترین امکانات

رفاهی بهره‌مند نبوده که به خود جرئت داده دست به چنین تخلف

بزرگی بزند؟ مگر حقوق کلانی که از بیت‌المال دریافت می‌کرده،

قادر به تأمین هزینه زندگی او نبوده؟ مگر آدم با چند دهان می‌تواند

بخورد، در چند خانه می‌تواند زندگی کند، سوار چند خودرو شود و

پرش‌های بسیاری که این روزها نگرانی مردم از عملکرد مدیران را

بیشتر کرده است.

روشن است استعفا و بر خورد احتمالاً قانونی با این دسته از مفسدان

نمی‌تواند افکار عمومی را قانع کند و عمده‌ترین دلیل آن هم بروز

مفسده‌هایی بزرگ‌تر از آن چیزی است که قبلاً بروز پیدا کرده بود. این

موضوع عملکرد ساختار قانونی در مواجهه با جرائم و تخلف‌ها را هم

دشواری می‌کند. در موارد بسیاری شاهد هستیم وقتی پلیس یا قاضی

متخلف را متوجه می‌کند و این خاطر از تکاپ جرم یا تخلفی که مر تکب شده،

بازخواست می‌کند با این پرسش مواجه می‌شود که چرا روز قانون فقط

به او می‌رسد و مسیر برای روز مفسده‌های بزرگ مسدود نمی‌شود؟

اسفبار تر اینکه در پس این مفسده‌ها، افرادی هستند که بروز تخلف یا

جرم را توجیه می‌کنند و این گونه است که آسیب‌های این مفاسد در

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع پیدا می‌کند.

جامعه شیوع